

Deutsche Forderung von ...
 ISBN 978-3-448-232-4
 Der Fall (Günther Rosen, 2011)
 PT 1717566
 97834482324

فردیناند فن شیراخ

پرونده‌ی کولینی

(رومان)

ترجمهٔ کامران جمالی



انتشارات نیلوفر

پیشگفتار

هریشگفتار کتاب «تبهکاری و جرم»، که برگردان بخشی از مجموعه داستان «تبهکاری» و مجموعه داستان «جرم» اثر فردیناند فن شیراخ است، درباره‌ی آثار و اندیشه‌های نویسنده سخن گفته‌ام. برای خوانندگانی که هنوز با آثار او آشنایی ندارند تنها چند سطر از آن پیشگفتار را تکرار می‌کنم و سپس به رمان پیش رومی پردازم.

فردیناند فن شیراخ زاده‌ی ۱۹۶۴ در مونیخ است. پس از اخذ دیپلم به بُن، پایتخت آن روزِ آلمان، رفت و به تحصیل در رشته‌ی حقوق پرداخت، دوران کارورزی‌اش را در کُلن گذراند و سال ۱۹۹۴ در برلین به وکالت در امور کیفری مشغول شد.

در ۲۰۰۹ که نخستین اثرش، مجموعه داستان «تبهکاری» را انتشار داد ۴۵ ساله بود و یکی از نامدارترین وکلای مدافع امور کیفری در سراسر آلمان. این مجموعه ۵۴ هفته در لیست پرفروش‌ترین کتاب‌های هفته‌نامه‌ی اشپیگل قرار داشت. دومین اثرش «جرم» (۲۰۱۰) بلافاصله پس از انتشار در رأس این لیست قرار گرفت. سپس براساس شماری از داستان‌های آن فیلم ساخته شد. در ۲۰۱۱ سومین اثر داستانی و نخستین رمان‌اش «پرونده‌ی کولینی» به بازار کتاب آمد. درباره‌ی این رمان جداگانه صحبت خواهیم کرد. ۲۰۱۳ سال انتشار رمان پرفروش دیگری اثر فردیناند فن شیراخ بود به نام «تابو». نمایشنامه «ترور»، آخرین نویسنده در ۲۰۱۵ هم‌زمان در دو تئاتر معتبر آلمان روی صحنه آمد و پس

تجربین کنده‌ی مسیر تاریخ قرار گرفته بود: آیا دموکرات مسیحی‌ها می‌بایست با سوسیال دموکرات‌ها همکاری کنند یا با نازی‌های هنوز شناخته نشده و تازی‌هایی که با ترفندهای این حزب تبرئه شده بودند یا به زودی دوران نسبتاً کوتاه زندان‌شان به پایان می‌رسید؟ جناح راست CDU که بیشترین سیاستمداران نفوذ را با خود داشت، راه دوم را انتخاب کرد. پس این جناح باید با به کار بردن کلیه امکانات اش - قانونی یا غیرقانونی - ابتدا شاخه‌ی میانه‌رو حزب خود را به نام یا منزوی می‌کرد و سپس ائتلاف احزاب سوسیال دموکراسی و کمونیست را دوباره کردن آلمان ناممکن می‌نمود. در صورتی که این دو حزب ائتلاف می‌کردند، به دلیل وجود دموکراسی در غرب جایی برای خودسرانگی حزب کمونیست باقی نمی‌ماند، خودکامگی‌هایی که در آلمان شرقی کردند و به تبع آن قوی‌تشدند. از سوی دیگر به دلیل وجود آموزه‌های مارکسیستی در این ائتلاف، هرگز گرایش تدریجی سوسیال دموکراسی به راست سدی به وجود می‌آمد؛ هرگز آن‌چه به‌ویژه در دوران صدراعظمی گرهارد شرودر شاهد آن بودیم.

این ائتلاف به احتمال بسیار بالا دارای پیشینه‌ی آرای مردم می‌شد و جناح راست دموکرات مسیحی خانه‌نشین. کنراد آدنایر باهوش این را به خوبی می‌دانست. او پی برده بود که تنها راه ماندن در بلوک غرب و پرهیز از بی‌طرفی همکاری با نازی‌هاست: جنایتکاران جنگی؛ تعدادشان هم بی‌شمار بود.

جناح راست CDU به رهبری کنراد آدنایر، لودویگ ارهارد (وزیر اقتصاد آلمان و پس از او صدراعظم آلمان) و افراد بانفوذ دیگر، هر امکانی را به کار گرفت تا پرونده‌های کشتار نازی‌ها را حتی الامکان نابود کند؛ یا قوانینی را به تصویب برساند که بنا بر آن‌ها از اهمیت جرم نازی‌ها کاسته شود و مجازات‌شان به شدت تخفیف یابد یا شماری از آن‌ها تبرئه شوند. نازی‌های شناخته شده هم باید مورد عفو واقع و از زندان آزاد شوند و به همکاری بپردازند.

یکی از قوانینی که به تصویب رسید قانون «مشمول مرور زمان شدن» حریم بود: مدت آن کوتاه شد. و اما قتل بنا بر هیچ قانونی مشمول مرور زمان نمی‌شود. پس باید جرم نازی‌ها تخفیف پیدا می‌کرد و از «قتل» به «یاوری در

از آن تله-فیلمی از روی آن ساختند که میلیون‌ها بیننده‌ی تلویزیونی در سرزمین‌های آلمانی زبان داشت. این نمایشنامه و تله-فیلم به‌ویژه در چین با اقبال کم‌مانندی روبرو شد. این نمایشنامه با ترجمه‌ی رحمان افشاری و ویراستاری دکتر فرامرز بهزاد منتشر شده است.

پرونده‌ی کولینی

رمان «پرونده‌ی کولینی» بلافاصله پس از انتشار در ۲۰۱۱ در لیست پرفروش‌ترین‌های اشپیگل جایگاه دوم را احراز کرد. این اثر تاکنون در قطع‌های مختلف حدود ۳۰ بار در آلمان تجدید چاپ شده و در نامدارترین نشریات اروپا و آمریکا مورد ستایش قرار گرفته است. من برای پرهیز از اطناب مُجمل از ذکر گفت‌ووردهای این رسانه‌ها چشم می‌پوشم.

برای خواننده‌ای که آشنایی چندانی با رویدادهای سیاسی آلمان پس از جنگ ندارد، و به‌ویژه، برای نگاهی درون‌شکاف به آن‌چه در فصل ۱۴ تا پایان این کتاب به میان می‌آید، روشنگری‌هایی را ضروری می‌دانم.

پس از پایان دومین جنگ جهانی و تسلیم آلمان نازی، شوروی پیشنهاد کرد که آلمان و اتریش، دو کشور شکست خورده، در شمار کشورهای بی‌طرف قرار گیرند: نه وابسته به بلوک غرب باشند نه بلوک شرق.

این پیشنهاد بعدها در مورد اتریش پذیرفته شد؛ اما در آلمان از همان ابتدا با ایستادگی سرسختانه‌ی حزب دست راستی دموکرات مسیحی (CDU) روبرو شد. شعار کنراد آدنایر، رهبر جناح راست CDU، این بود: «چیرگی کامل بر نیمی از آلمان بهتر از تسلط نسبی بر تمامی آن است.» او با این گفته‌ی مشهورش نشان داد که حتی به بهای دوپارگی میهن‌اش از بی‌طرفی اجتناب می‌کند؛ و با کردار سیاسی‌اش مقدمات این دوپارگی را فراهم آورد تا آلمان بتواند در شمار کشورهای بلوک غرب قرار گیرد و بی‌طرف نباشد.

حزب دموکرات مسیحی که از بانفوذترین سیاستمداران آلمانی پس از جنگ تشکیل شده بود بر سر یک دوراهی - همان‌گونه که در این رمان خواهیم دید -